



آموزش زبان دوم اشاره شده است. اولین مؤلفه، توانش زبان دوم است که برخورداری از آن برای آموزش مؤثر زبان دوم ضروری است. منظور از توانش زبان دوم برای تدریس مؤثر، سطحی از مهارت‌های زبانی است که امکان استفاده فی البداهه از زبان دوم را هنگام تدریس فراهم کند و با ایجاد زمینه مدیریت گفتمان کلاس درس به زبان دوم، بیشترین فرصت‌های یادگیری را در اختیار زبان‌آموزان قرار گیرد.

در بحث‌های مربوط به مؤلفه اول به این نکته اشاره شده است که توانش زبانی مورد نیاز برای آموزش زبان که گونه‌ای از زبان برای اهداف ویژه محسوب می‌شود، با

با قرار گرفتن در آستانه تعطیلات تابستانی و اوقات فراغت پیش‌رو، خوانندگان محترم مجله در برنامه‌ریزی برای گذران اوقات فراغت خود بدون تردید جایی را برای استفاده از این اوقات برای توسعه و ارتقاء مهارت‌های حرفه‌ای خود پیش‌بینی می‌کنند. به همین دلیل در گفتار حاضر به بحث در خصوص دانش‌ها و مهارت‌های زیربنایی آموزش زبان دوم می‌پردازیم، به این امید که مطرح شدن آنها ضمن یادآوری نکات مورد توجه در برنامه‌ریزی برای رشد مهارت‌های حرفه‌ای، به روشن شدن اولویت‌ها در این مبحث کمک کند.

در ادبیات این حیطه به حداقل سه مؤلفه توانش

توانش زبانی مورد نیاز برای آموزش زبان که گونه‌ای از زبان برای اهداف ویژه محسوب می‌شود، با توانش زبان عمومی تفاوت دارد و به دلیل نوع ارتباط آن با سایر مؤلفه‌ها، به آموزش‌های ویژه‌ای نیازمند است که عموماً پس از رسیدن به سطح متوسط توانش زبان عمومی آغاز می‌شود. مفهوم ضمنی این نکته آن است که در تربیت معلم زبان دوم، باید برای کسب این نوع از توانش زبانی برنامه‌ریزی شود و معلم زبان نیز در طول خدمت آموزشی خود آن سطح از توانش زبانی را که برای تدریس مؤثر مورد نیاز است، حفظ کند و ارتقا دهد.

مؤلفه دوم توانش حرفه‌ای، دانش محتوای تخصصی آموزش زبان است که از زبانشناسی کاربردی استخراج می‌شود. زبانشناسی کاربردی دانش تخصصی زیربنای رویکردهای زبان را فراهم می‌کند. این دانش‌ها عموماً در قالب نظریه‌های تحلیل زبانی، نظریه‌های یادگیری زبان دوم، روش‌های تدریس، و سنجش و ارزشیابی ارائه می‌شوند. آنچه در خصوص مؤلفه دوم اهمیت دارد، توجه به این نکته است که گرچه در مورد ضرورت آشنایی با این دانش‌ها برای تدریس مؤثر زبان دوم اتفاق نظر وجود دارد، ولی چگونگی ارتباط دانش نظری و عمل از مسائلی است که هنوز به طور کامل حل نشده است. البته گام‌های قابل توجهی در این زمینه برداشته شده است که از آن جمله میتوان به نتایج اقدام پژوهی و پژوهش‌های کاربردی در این زمینه اشاره کرد.

مؤلفه سوم توانش آموزش زبان را دانش آموزشی تشکیل می‌دهد که از طریق مطالعه تدریس و یادگیری زبان در عمل حاصل می‌شود. گنجاندن فعالیت‌هایی نظیر پروژه‌های کلاسی در زمینه‌های برنامه‌ریزی درسی، سنجش و ارزشیابی و مشاهده تدریس و همچنین، تدریس عملی با این هدف انجام گرفته است که مؤلفه سوم، یعنی دانش آموزشی تقویت شود.

برنامه‌های تربیت معلم پیش از خدمت هر سه مؤلفه را شامل می‌شوند، ولی میزان تأکید بر هر یک از مؤلفه‌ها در برنامه تربیت معلم در کشورهای مختلف متفاوت است. در بعضی برنامه‌ها، بعد نظری یا همان دانش محتوای تخصصی مورد تأکید قرار می‌گیرد و موازنه‌ای بین دانش نظری و عملی وجود ندارد. در چنین شرایطی معلمان

زبان در حین خدمت به مشکلاتی برمی‌خورند که ناشی از همین عدم موازنه است. برای کاهش دادن مشکلات در عمل، لازم است آموزش‌های ضمن خدمت با تأکید بر جنبه‌های عملی طراحی و اجرا شوند.

آنچه در این گفتار لازم است مورد تأکید قرار گیرد آن است که هر یک از ما به عنوان مدرس زبان دوم با توجه به تجربیات گذشته در زمینه توانش حرفه‌ای، اولویت‌های خاصی داریم که شاید در هیچ برنامه تربیت معلم ضمن خدمتی، آنگونه که باید مورد توجه قرار نگیرند. تنها راه عملی برای رشد توانش حرفه‌ای با توجه به اولویت‌های فردی، «برنامه‌ریزی شخصی» است. در واقع می‌توان از طریق خودآموزی به تدریج به کسب دانش و مهارت‌ها همت گماشت. امید می‌رود در اوقات فراغت تابستان این فرصت ایجاد شود.

در شماره حاضر با هفت مقاله به این موضوعات پرداخته‌ایم. موضوع تفاوت‌های فردی زبان‌آموزان که در دو مقاله بررسی شده است. در یکی از مقالات مهمترین تفاوت‌های فردی معرفی و نتایج پژوهشی در این زمینه گزارش شده است.

موضوع نحوه تدریس مهارت‌ها و مؤلفه زبانی که دو مقاله به آن اختصاص یافته است. در یکی از مقالات تفاوت‌ها و شباهت‌های رویکردهای متداول در تدریس دستور زبان مورد بحث قرار گرفته و سعی شده است، محدودیت‌های هر یک از روشها با توجه به دانش نظری موجود مشخص شود. در مقاله دیگر، نقش فرهنگ زبان دوم در درک متون زبان دوم، در قالب نتایج طرحی پژوهشی مورد بررسی قرار گرفته است.

موضوع دو رویکرد غالب در تربیت معلمان که در یک مقاله مطرح شده است توجه به خصوصیت‌های هر یک از این رویکردها می‌تواند ما را در انتخاب روش و محتوای دوره‌های تربیت معلم یاری دهد.

و بالاخره موضوع آخری که در این شماره به آن پرداخته‌ایم، روایی و اعتبار آزمون بسته پاسخ است. در این شماره مقاله‌ای نیز به زبان فرانسه به چاپ رسیده است که به معرفی چارچوب مرجع مشترک اتحادیه اروپایی در زمینه زبان‌آموزی می‌پردازد. امید است شماره حاضر با محتوای معرفی شده مورد توجه خوانندگان محترم قرار گیرد.